

۴-۴. عروض و قافیه؛ کتاب درسی پیش‌دانشگاهی، تقی وحیدیان کامیار، آموزش و

پرورش، ۱۳۷۹، ۷۷ صفحه.

عروض و قافیه، تألیف تقی وحیدیان کامیار، متن درسی دوره پیش‌دانشگاهی در رشته علوم انسانی است. تدریس و تعلیم عروض و قافیه به شیوه‌ای که در کتاب وحیدیان کامیار مطرح شده، بسیار آسان‌تر از عروض قدیم است؛ به شرط آنکه مدرسان آن، خود با مباحث این فن آشنا باشند. در ادامه نکته‌هایی درباره‌ی پاره‌ای از موضوعات آن - به‌ویژه مبحث قافیه - مطرح می‌شود تا طرح مطالب مربوط، در آن روشن‌تر و در نتیجه تدریس آن آسان‌تر شود:

۱. در صفحه چهارم، بند آخر، توضیحی درباره «حرف» آمده است. این واژه در زبان فارسی چند معنی دارد که یکی از آنها «علامت نگارشی آوا یا صوت» است. مؤلف، خود نیز در جایی دیگر از کتاب، بدین معنی اشارت کرده است. برای اینکه ذهن دانش‌آموزان مشوش نشود، پیشنهاد می‌شود که در اینجا از اصطلاحاتی چون «واج» یا «واک» یا «واکه» و امثال آن استفاده شود و «حرف» صرفاً بر صورت نگارشی صوت یا آوا اطلاق شود؛

۲. در همین مبحث آمده است: «در قافیه و وزن شعر، صورت ملفوظ حرف مورد نظر است نه شکل مکتوب» و در پاورقی مربوط به همین جمله آمده است: «در قافیه چنان که خواهیم گفت صورت مکتوب نیز اهمیت دارد». روشن است که این دو توضیح بایکدیگر تناقض دارد. پیشنهاد می شود که مطلب مورد نظر، به گونه ای توضیح داده شود که تناقض آن رفع شود؛

۳. در صفحه ششم، زیرنویس دوم، آمده است: مصوّت «ی» معمولاً به تنهایی حرف قافیه قرار نمی گیرد؛ مثلاً واژه «بازی» با «معنی» قافیه نمی شود؛ اما بعضی از شاعران بندرت «ی» را تنها قافیه قرار داده اند....

چنان که از مثالها استنباط می شود، منظور مؤلف مصوّت بلند در پایان کلمه است. به نظر می رسد که اگر مبنا را کاربرد شاعران قرار دهیم، مراجعه به قافیه قصاید و غزلیات نشان می دهد که مصوّت مذکور به تنهایی مبنای قافیه بوده است. همچنان که مصوّت بلند «آ» نیز به تنهایی اساس قافیه است و کاربرد مکرر شاعران دلیل این مدعا است.

در صفحه نهم کتاب نیز مؤلف در واژه های «سی / بازی»، «ی» را حرف الحاقی گرفته اند و با مثالی از مولوی، در واژه های «علی / منجلی»، «ی» را زاید و اساس قافیه را «ل» دانسته اند. به نظر می رسد، در همه این موارد، مبنای قافیه، همان مصوّت بلند است و الحاقی شمردن «ی» - یعنی مصوّت بلند - در آنها قاعده ای عام نیست. به نظر می رسد میان این قافیه ها و دو کلمه «ففا / صفا» - که اساس قافیه را در آنها «آ» دانسته اند (ص ۱۰)، هیچ فرقی نیست و تفاوت تنها در نوع مصوّت است. علاوه بر این - چنان که یادآور شد - کاربرد شاعران، بیانگر آن است که مصوّت های بلند سه گانه و نیز «آو» و «آی» در قافیه های

فارسی به تنهایی مبنای قافیه قرار گرفته است و رعایت صوتی پیش از آنها باید در زمره الترامهای شاعرانه باشد نه جزو قواعد قافیه؛

۴. در صفحه هفتم کتاب، آنجا که سخن از قافیه‌هایی چون «نو / درو» و امثال آنها است، جا داشت که از قافیه‌هایی چون «نی / پی / ری» و مانند آنها نیز سخن به میان می‌آمد و حکم این نوع کلمات در قافیه معین می‌شد؛ زیرا شواهد این هر دو نوع را به آسانی در دیوان‌ها می‌توان یافت و همچنان‌که پیش از این گفته شد و کاربردهای شاعران نیز بیانگر آن است، «آی» و «آو» به تنهایی مبنای قافیه تواند بود؛

۵. نویسنده در صفحه هشتم، در واژه‌هایی چون «خدای / جای»، صوت «ی» را حرف زاید دانسته‌اند، حال آنکه عمومیت ندارد و در موارد مذکور مکرر در دیوان‌ها می‌توان دید که شاعران در این نوع کلمات، مصوت بلند «آ» را «ردف» و «ی» را در حکم «روی» آورده‌اند؛

۶. در صفحه بیست و دوم، از مصوت بلند «آ» و «ما» سخن به میان آمده است. جا داشت که در اینجا یادآوری می‌شد که این هر دو از نظر وزن شعر فارسی، معادل یک هجای بلند است؛

گمان می‌رود که یکی از هدف‌های تدریس دانش عروض این باشد که دانش‌آموزان بتوانند وزن‌های پر کاربرد شعر فارسی را از طریق گوش تشخیص دهند. برای رسیدن به این مرحله، مدرسان باید دانش‌آموزان را به تمرین وادارند. پیشنهاد می‌شود که در ساعت‌های تدریس این دانش ادبی، اوقاتی خاص برای تمرین سماعی، در برنامه در نظر گرفته شود.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی ادبیات کلاسیک
فصل دوم؛



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی